

نشریه علمی

پژوهشنامه ادبیات تعلیمی

سال پانزدهم، شماره پنجاه و هفتم، بهار ۱۴۰۲، ص ۱-۲۰

نقد اخلاقی کتاب تحفه (قرن هشتم هجری) براساس مکتب سودگرایی اخلاقی

دکتر آسیه ذبیح‌نیا عمران* - دکتر احمدرضا یلمه‌ها**

چکیده

پژوهش حاضر به نقد اخلاقی کتاب تحفه (قرن هشتم هجری) براساس مکتب سودگرایی اخلاقی می‌پردازد. تحفه دارای ده باب و چندین حکایت تمثیلی و تاریخی آمیخته با نظم و نثر است. مؤلف کتاب نامعلوم است؛ ولی احتمال می‌رود که مؤلف آن، میرزا شرف‌الدین فضل‌الله ابن عبدالله قزوینی (نزدیک ۷۴۰-۶۴۰ ق.) باشد. تحفه اثری تعلیمی در سیاست مُلّان است که می‌توان آن را براساس نظریات اخلاقی بررسی کرد. یکی از این مکاتب، سودگرایی اخلاقی است. دیدگاه سودگرایی، نظام اخلاقی هنجاری است که که ملاک اخلاقی بودن فعل را اصالت لذت می‌داند. از دیدگاه این مکتب، ارزش‌ها تا جایی سزاوار حفظ و ارتقا هستند که درخور تفسیر و تأویل به منافع رفاهی فردی و لذت جمعی باشند؛ اما همواره سود فرد بر جمع ترجیح دارد. مقاله حاضر با روش توصیفی - تحلیلی می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که «کدام یک از اقسام سودگرایی اخلاقی در تحفه کاربرد بسیار زیادی دارد؟» براساس دستاورد پژوهش، بیشترین سود اخلاقی مدنظر در این متن ادبی، سود جمعی و منافع عامه مردم است.

* دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام‌نور، ایران (نویسنده مسؤول) asieh.zabihnia@gmail.com

** استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد دهقان، دانشگاه آزاد اسلامی، دهقان، ایران

ayalameha@dehaghan.ac.ir

تاریخ پذیرش ۱۴۰۱/۱۲/۸

تاریخ وصول ۱۴۰۱/۸/۲۳

مؤلف کتاب تحفه تحت تأثیر آموزه‌های اخلاق اسلامی، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم در قالب بیش از ۵۵ حکایت و تمثیل، توصیه‌هایی را به خواننده منتقل می‌کند که علاوه‌بر ایجاد التذاذ ادبی برای مخاطب، از ارزش دینی و تربیتی نیز برخوردارند.

واژه‌های کلیدی

تحفه؛ مکتب سودگرایی؛ اخلاق؛ سود فردی؛ سود جمعی

۱- مقدمه

کتاب تحفه مجموعه‌ای به زبان فارسی است که مؤلف آن به پند و نصیحت مخاطب می‌پردازد و در ضمن آن، شرح مختصری از تاریخ اسلام (از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله تا آخرین خلیفه عباسی) را بیان می‌کند. روش تألیف کتاب، به روش تجربه اجتماعی است که مستند به تاریخ، اندیشه‌ها، اعمال و سخنان پیشینیان و خردمندان است. در این شیوه، مباحث آمیخته با سخنان بزرگان، فرمانروایان، پیران و خردمندان است و رفتار و کردار آنها نقل می‌شود و موضوعات در جامه حکایات و افسانه‌ها بیان می‌شود. مؤلف تحفه در پایان هر باب، حکایاتی آورده است که با موضوع آن باب تناسب و هماهنگی دارد. کتاب تحفه از یک دیباچه و ده باب تشکیل شده که به شرح زیر است:

- دیباچه، دربردارنده حمد و ثنای خداوند تعالی، نعت حضرت پیامبر (ص)، ائمه اطهار (ع) و اصحاب ایشان، تقدیم کتاب به یوسف‌شاه است.

- باب اول در ذکر فضایل والیان با عدل و داد است که ضمن ذکر احادیثی از پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله در تکریم ایشان، حکایاتی درباره حاکمان عادل و ظالم بیان می‌کند.

- باب دوم، با عنوان آنچه با رعیت مغبون است، سفارش‌هایی به والیان دارد و اموری را یادآور می‌شود که والی، خود باید متصدی آنها باشد.

- باب سوم مطالب مختصری درباره حسن عدل و قبح ظلم بیان کرده است و بیشتر به ذکر چند حکایت در این زمینه می‌پردازد.

- در باب چهارم، صفاتی بیان می‌شود که نظام ملک و دولت منوط به مراعات آنان بوده است و سعادت دنیا و آخرت در گرو اتصاف به آنهاست؛ مانند عفو، قهر، حزم و غیره.
- باب پنجم در پی ذکر مآثر ملوک در جهان‌داری، حکایاتی از حاکمان بنی‌امیه و بنی‌عباس و اعمال و سخنان ایشان را بیان می‌کند.
- در باب ششم، سخنان پندآمیز و حکمت‌آموز حکام و والیانی مانند منوچهر، معتصم عباسی، عبدالملک مروان، منصور دوانیقی، انوشیروان، بهرام گور، جمشید و... است
- باب هشتم به سؤال‌هایی اختصاص دارد که از بزرگمهر، وزیر دانشمند انوشیروان پرسیده شده است و پاسخ‌های حکیمانه او به آنها بیان می‌شود.
- باب نهم مفصل‌ترین بخش کتاب است و به این مسائل پرداخته است: تاریخ اسلام از تولد نبی اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله به همراه ویژگی‌ها و خصوصیات ظاهری ایشان، خلافت خلفای راشدین، بنی‌امیه (معاویه، یزید، مروان، عبدالملک، ولید،... مروان حمار)، شیوه سرنگونی آنها توسط ابومسلم خراسانی و روی کار آمدن بنی‌عباس و حاکمان آن (ابوالعباس سفاح، منصور، مهدی، هادی... مستنصر و مستعصم)، به همراه ویژگی‌ها و اعمالی که ایشان انجام داده‌اند.
- باب دهم به پند و نصیحت ملوک می‌پردازد.

جدول شماره ۱: ابواب دهگانه اندرزی کتاب تحفه

ابواب	مضامین ابواب کتاب تحفه
۱	در فضایل حاکم عادل (۳ حکایت)
۲	در خصوص زیان و ضرر به رعیت (۲ حکایت)
۳	در عدل و ظلم (۵ حکایت)
۴	در شناخت خصلت‌های نظام پادشاهی و دولت (۴ حکایت)
۵	نشانه‌های پادشاه جهاندار (دارای ۱۰ حکایت)
۶	درباره سخنان پادشاهان (دارای ۱۱ حکایت)
۷	درباره احوال وزرا و اطرافیان پادشاهان (دارای ۱۱ حکایت)
۸	نتیجه اندیشه وزرا و حکم پادشاهان (حکایت مفصل پرسش و پاسخ بزرگمهر)
۹	تاریخ اسلامی (دارای حکایت ۵۵ حاکم اسلامی)
۱۰	پند و اندرز پادشاهان (دارای ۹ حکایت)

از دید مؤلف کتاب *تحفه*، تهذیب اخلاق و تزکیه نفس به اندازه درمان امراض جسمانی اهمیت دارد: «بهترین و مهم ترین چیز تهذیب اخلاق و تصفیه نفس است و ما از برای امراض عارضی حذاق اطبا را تربیت می کنیم و وظایف مرتب می داریم، تا اگر از اخلاط یکی غالب آید و مزاج از حالت اعتدال عدول نماید، طبیعت بحسن معالجت تدارک کند، تا مرض استیلا نیابد و تبدیل و تغییر امراض سوء اخلاق که در نهاد مطبوع است اولی تر و سزاوارتر است، اندیشه بر دفع آن مقصور باید داشت» (*تحفه*، ۱۳۴۱: ۵۷). باید توجه داشت که در تدوین کتاب های اخلاق و سیاست و تدبیر منزل، یکی از روش های مرسوم نزد مؤلفان نقل تجربیات و حکایات یا افسانه های تاریخی است. فایده این روش، علاوه بر جذابیت، این است که مطالعه آنها، اثر عمیق در خواننده بر جای می گذارد. در کتاب *تحفه*، مسائل اخلاقی و تربیتی در قالب حکایات، مثال ها و تمثیل ها آموزش داده می شود تا میزان یادگیری و ماندگاری آن در ذهن مخاطب افزایش یابد. بخش اعظم کتاب *تحفه* به بایدها و نبایدهای اخلاقی اشاره دارد. منظور از اخلاق «علم به صفات فاضله و رذیله است» (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۶). همین بایدها و نبایدهای اخلاقی کتاب *تحفه* را می توان از دید مکتب فلسفی سودگرایی بررسی کرد؛ زیرا مصلحت فردی یا جمعی ایجاب می کند تا سود و فایده را در نظر گرفت.

۱-۱ سؤال پژوهش

در کتاب *تحفه* کدام یک از اقسام سود بیشترین لذت را در پی دارد؟

۲-۱ پیشینه پژوهش

تاکنون درباره کتاب *تحفه* تحقیقی منتشر نشده است. محمدتقی دانش پژوه این اثر را در سال ۱۳۴۱ تصحیح کرد.

درباره سودگرایی اخلاقی چند مقاله منتشر شده است که برخی از آنها به ترتیب سال نشر عبارت است از:

اترک (۱۳۸۴) مقاله ای را با عنوان «سودگرایی اخلاقی» در مجله *نقد و نظر* چاپ کرد. او در این مقاله به بررسی انواع مکاتب سودگرایی و نقد آنان پرداخته است.

آهی و مهربانی ممدوح (۱۳۹۳) مقاله‌ای را با عنوان «عمل‌گرایی (پراگماتیسم در کلیله‌و‌دمنه)» در مجلهٔ متن‌پژوهی ادبی منتشر کردند. از نتایج این مقاله این است که عمل‌گرایی و سودگرایی در عین جدا بودن، نزدیکی زیادی با هم دارند.

فؤاد حیدری (۱۳۹۷) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی مصادیق سودگرایی اخلاقی در گلستان سعدی» در مجلهٔ پژوهش در هنر و علوم انسانی چاپ کرد. متن اصلی مقاله دو صفحه است که مؤلف چند نمونه از گلستان را در این زمینه برشمرده و بررسی کرده است.

ذبیح‌نیا عمران (۱۴۰۰) مقاله‌ای با عنوان «بررسی محتوایی کلیله‌و‌دمنه منظوم قانعی طوسی بر پایهٔ مکتب سودگرایی» در مجلهٔ ادبیات تعلیمی منتشر کرد. براساس دستاورد این پژوهش، با اینکه کلیله‌و‌دمنه اثری اخلاقی است، بیشترین سود اخلاقی مدّ نظر در این متن ادبی، سود فردی است.

۱-۳ روش پژوهش

مقاله حاضر می‌کوشد تا با استفاده از روش تحلیل محتوا، سودگرایی را در تحفه از دیدگاه طرفداران این نظریه تحلیل و ارزیابی کند.

۲- مکتب سودگرایی

نظریهٔ سودگرایی معتقد است «یگانه معیار نهایی صواب، خطا و الزام اخلاقی، اصل سود است. منظور از اصل سود را می‌توان به این صورت بیان کرد که در همهٔ رفتارهای اخلاقی خود باید همواره سود جمعی و گروهی را در نظر بگیریم. به بیان دیگر، اصل سود به این معناست که ما باید در همهٔ اعمال خود به دنبال آن باشیم که بیشترین غلبهٔ ممکن خیر بر شر (یا کمترین غلبهٔ ممکن شر بر خیر) را در کل جهان (یا دست‌کم، در جامعهٔ خود) محقق کنیم» (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۸۵). لذت، غایت است (مور، ۱۳۸۵: ۲۰۵).

مکتب سودگرایی و لذت‌گرایی، اصل سود، معیار درستی و نادرستی را غلبهٔ بیشتر خیر عمومی بر شرّ می‌داند.

در زبان فارسی، سودگرایی به سودمندگرایی، فایده‌گرایی، فایده‌باوری، اصالت سود، اصالت نفع یا یوتیلیتاریانیسم^۱ - که مطلوبیت‌گرایی و منفعت‌گرایی است - ترجمه شده

است که شاخه‌ای از نظریه‌های اخلاقی پیامدگرایان است. مکتب سودمندگرایی که ملاک اخلاقی بودن فعل را «اصالت لذت» معرفی می‌کند، از دوره یونان باستان تا به امروز به صور گوناگونی بیان شده است و بنابه سودمندگرایی، اخلاقی‌ترین عمل، عملی است که «سودمندترین گزینه برای طرفین اثرپذیر» باشد؛ حتی اگر مضر (ذاتاً شر) باشد (اترک، ۱۳۸۴: ۲۶۵). در فایده‌گرایی، فرد لحاظ می‌شود؛ ولی همه آنها در پس پیامدگرایی به حداکثر رساندن مطلوبیت و مفاهیم مرتبط با آن لحاظ می‌شود.

استدلال پیروان این مکتب اخلاقی برای اثبات ارزش ذاتی لذت این است که انسان طبیعتاً طالب لذت است و از رنج و درد می‌گریزد. برای هر فرد خوشی و لذت خود او مطلوب است و هیچ‌کس رنج و ناراحتی خود را نمی‌خواهد. بر این پایه ارزش ذاتی و منشأ مطلوبیت لذت خود فرد است. در نتیجه کاری که برای فاعل اخلاقی لذت‌بخش باشد، ارزش‌گیری مثبت دارد و باید صورت گیرد و کاری که برای فاعل وی رنج‌آور است، ارزش‌گیری منفی دارد و نباید انجام گیرد (مصباح یزدی، ۱۳۷۸: ۱۷۲). براساس نوع نگاه به این صفات، مکاتب گوناگونی مانند لذت‌گرایی، منفعت عمومی، قدرت‌طلبی و عاطفه‌گرایی و... به وجود آمده است که بیانگر بینش، روش و فرجام‌نگری متفاوت در آنهاست (آهی و مهربانی ممدوح، ۱۳۹۳: ۶۵). نکته درخور توجه این است که خاستگاه مکتب سودگرایی، بعد از یونان باستان، انگلستان است.

۳- بحث و بررسی

۳-۱-۱ مصداق‌های مکتب سودگرایی در کتاب تحفه

برخی از مهم‌ترین مصداق‌های سودگرایی در تحفه به شرح زیر است:

۳-۱-۱-۱ سودگرایی و عدالت

عدالت از جمله مباحثی است که مدنظر سودگرایان است؛ زیرا نفع عدالت شامل

عموم مردم می‌شود.

مؤلف کتاب تحفه، باب سوم را به ستایش عدل و مذمت ظلم اختصاص می‌دهد و برای توجه بیشتر، سخن خود را با آیاتی از قرآن کریم آغاز می‌کند. وی اعتقاد دارد اگر رشته عدل پاره و گسسته شود، در جهان موجودی زنده نمی‌ماند:

«قال الله تعالی: "اغْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَى" ^۲ و قال تعالی: "إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ" ^۳.

«شیمه عدل و احسان بهترین شیم است و نظام ملک و دولت بدان منوط و سعادت دنیا بناصیه مراعات او معقود. و هرکه این خصلت را عادت کرد، تمامت کرایم اخلاق را احراز نمود و هیچ از خصال حمیده و سخته شهیه از او در تنق عزت محبوب نماند. و چنانکه ظلم اقبیح و اذم صفات است، عدل که ضد اوست، احسن و اشرف خصال تواند بود و بزرگان گفته‌اند و بالعدل قامت السموات و الأرض. اگر عقد نظام عدل گسسته شود در دایره وجود هیچ موجود باقی نماند» (تحفه، ۱۳۴۱: ۳۱).

ویلیام گادوین ^۴ (۱۷۵۶-۱۸۳۶ م.) سودگرای انگلیسی اعتقاد دارد که «عدالت مستلزم آن است که ما هر کاری را که می‌توانیم برای پیشینه‌سازی سود عمومی انجام دهیم، حتی اگر مردن برای آن هدف باشد» (Scarre, 1998: 443).

از دیدگاه دیوید هیوم ^۵ (۱۷۱۱-۱۷۷۶) فیلسوف اسکاتلندی و از پیشروان مکتب تجربه‌گرایی، عدالت هم وقتی به دست می‌آید که اجتماع به وظیفه خود با نظر به منافع شخصی روشن‌بینانه عمل کند. اصول اخلاقی هم از سودمند بودن برمی‌آید و به آن بستگی دارد. اصولی مانند عدالت به میزان سودمندی آنها بستگی دارد (سابین، ۱۳۵۳، ج ۲: ۲۳۲).

مؤلف کتاب تحفه در باب اول اثر خویش به فضایل حاکم عادل می‌پردازد و می‌کوشد تا علاوه بر عبارات اندرزی در اهمیت عدالت و انصاف، با طرح سه حکایت در این زمینه این موضوع اخلاقی را تبیین کند. وی معتقد است که امور جهان بدون وجود حاکم عادل نمی‌گردد. «محیط مرکز دایره عالم بی پرگار کار ملکی عادل قادر مدور نیست» (تحفه، ۱۳۴۱: ۲۳). از جمله مهم‌ترین مباحث وی در باب عدالت به شرح زیر است:

الف) عدالت امنیت می‌آورد:

«یکی از نتایج معدلت سلطان، امن است» (همان: ۱۰).

«راه‌ها و نواحی سرزمین‌ها را از شر ستم ستمگر و صدمه غارتگران بی باک، پاک گرداند» (همان: ۵۲).

عدالت موجب می‌شود تا از افراد ضعیف در برابر زورگویان محافظت شود: «و افراد ضعیف را از صدمه دیدن افراد قوی، در پناه خود حفظ گرداند» (همان: ۴۰).

ب) عدل کامگاری و قدرت می‌آورد:

مؤلف کتاب تحفه عدل را مانند درخت طیبه می‌داند که ثمر آن کامگاری است: «عدل شجره است طیبه که اصل آن در چمن قدرت و کامگاری و فرع آن بر قلل سلطنت و جهاننداری رسد» (همان: ۴).

در باب سوم تحفه از زبان انوشیروان نقل می‌شود که عدل از همه قوی‌تر است: «نوشروان را گفتند کدام سرقوی‌تر است؟ فرمود که عدل» (همان: ۳۲).

ج) سود عدل و انصاف شاهان موجب آبادانی امور مردم جهان می‌شود:

«اگر انصاف پادشا، صنف‌های مختلف آفریده‌ها را شامل شود و نهال باغ کشور از بارش باران شاداب گردد؛ دیده روزگار به امید دیدار مبارک طلعت دولت او توانمند گردد و در دوران به باقی ماند ایام شکوه او شاداب» (همان: ۱۲).

در اولین حکایت کتاب تحفه، سلطانی می‌کوشد تا به زور، گاو مستضعفی را تصاحب کند. صاحب گاو به سلطان می‌گوید: «آبای تو از ظلم ابا فرمودند... امروز که جای خویش دادند به تو... باید که چنان شوی که ایشان بودند» (همان: ۱۸). سرانجام شاه با اندرزه‌های اخلاقی ستم‌دیده متنبه می‌شود و از ستم برمی‌دارد تا نفع عدل وی شامل فرد مظلوم شود.

انسان به اندازه کافی باهوش است که دریابد عدالت و حکومت باثبات به سود اوست. فلسفه اخلاق هیوم نیز بر مبنای فایده‌مندی قرار دارد. به نظر هیوم، تصور ظلم و عدل و داد و بی‌داد نیز از همین جا برمی‌خیزد. آنچه عدل را به صورت یک الزام طبیعی درمی‌آورد فایده‌مندی آن و انطباق آن با مصلحت فرد است (پولادی، ۱۳۸۸: ۸۱). در تحفه، عدل سودش عمومی است و به نفع دیگران و عموم تمام می‌شود. بهترین شیوه سلطنت، داد است:

در باب دوم تحفه آمده است که «طریق جهاننداری دادست» (تحفه، ۱۳۴۱: ۱۷).
«و در حکم انوشروان است: بهترین پادشاهان آن است که نعمت‌های خداوند را
شکر بدارد و میان مردم سرزمینش باشد و این مسئله ممکن نیست مگر با برپایی
عدل» (همان: ۱۶).

د) بی‌عدالتی موجبات ظلم را فراهم می‌کند:

به عقیده جیمز میل^۶ (۱۷۷۳-۱۸۳۶) عدالت حکم می‌کند که «انسان از آغاز حیات
به‌طور مساوی از مواهب طبیعت برخوردار باشد و هرکس با امکاناتی که خود به دست
می‌آورد، در صحنه رقابت زندگی، شخصیت خود را پرورش دهد» (پالمر، ۱۳۸۵: ۸۲).
استوارت میل درباره عدالت چنین می‌گوید: شاخص‌ترین مورد بی‌عدالتی،... موارد تهاجم
نابه‌جا یا موارد نابه‌جای اعمال قدرت بر افراد است. مورد بعدی بی‌عدالتی، شامل دور
نگه‌داشتن نابه‌جای فرد از خیری است که قسمت اوست. در هر دو مورد، صدمه‌ای به
فرد وارد می‌آید که می‌تواند به شکل رنج، عذاب مستقیم و محروم‌کردن از خیر طبیعی یا
اجتماعی بروز کند که آن را دلیل معقولی برای بهره‌مندی از آن می‌داند. استوارت میل
در نهایت در جمع‌بندی نتیجه می‌گیرد که «عدالت» نامی برای اقتضائات اخلاقی معین
است که اگر جمعی در نظر گرفته شود، در مقیاس فایده اجتماعی، در رده بالاتری قرار
می‌گیرند. او علاقه فرد به خودمختاری و امنیت را حیاتی‌ترین منافع او برمی‌شمرد (کری،
۱۳۷۹: ۱۰۵). مؤلف تحفه می‌گوید ظلم و ستم همه‌چیز را ویران می‌کند: «و بدان که
وجود سلطان توانا و غالب که خوی ذات او عدل و رعیت‌پروری باشد، نظام عالم را
حکمتی بالغ و نعمتی گواراست. چه احوال سرزمین‌هایی در اطراف که امور بر وفق میل
نباشد و به اطراف و مردم سرزمین رفاه و آسایشی قسمت نگردد. و سعادت امنیت و
امان داشتن، در آن سرزمین قسمت حال دور نزدیک (خوب و بد) آنان نشود، تا خلیفه
توانا و غالب به امر خداوند ظاهر شود، از به‌خاطر آنکه طبیعت انسان بر ظلم نبوده و
نیست. اگر این سلطان عامل بازدارنده‌ای نداشته باشد، بزرگ و کوچک، قوی و ضعیف
را نابود خواهد کرد» (تحفه، ۱۳۴۱: ۱۲۸).

در مجموع، عدالت و دادگری از جمله موضوعاتی است که مؤلف کتاب تحفه به آن تأکید فراوان می‌ورزد. بیشترین موضوعی که مؤلف کتاب به آن پرداخته، مبحث عدل و انصاف است. کتاب تحفه در بطن پایان اغلب حکایات، شاهان را اندرز می‌دهد و به دادگری و عدالت سفارش می‌کند و معتقد است سودِ عدل و داد شامل حال همهٔ مردم می‌شود. پس ضرورت دارد تا شاه به عدل و انصاف رفتار کند. به قول کتاب تحفه باید «سایهٔ عدل و مهربانی سلطان بر خلق جهان گسترده» (همان: ۲۲) باشد.

«و وجود پادشاه را به باران سودرسان نسبت داده‌اند که ابرهای بهاری گیاهان را از برکات خود تر و تازه می‌گردانند و طفل درختان ریاض را از الطاف خود رشد و نمو می‌دهند» (همان: ۲۳).

«نقل کرده‌اند که انوشیروان در سن هجده‌سالگی بر تخت شاهی نشست. حاکمان، خدمتکاران و ارکان مملکتش را بر داشتن عدل و انصاف توصیه کرد. و آنان را به مهربانی و احسان سفارش کرده که اگر چنانچه کسی ظلمی کرد، بر گردن او تیغ خواهم کشید» (همان: ۲۴). «داشتن ثروت و مهربانی از جانب یک حکومت، برابر با عدل است که انوشیروان با آنکه کافر بود، چونکه حکومتش را به زینت عدل آراسته بود، همگان از کاینات و مصنوعات، او را تکریم می‌کردند» (همان: ۲۵).

در باب هشتم کتاب تحفه از بزرگمهر سؤال می‌شود «کدام سیرت زیباتر است؟ گفت: عدل» (همان: ۱۲۵).

۳-۱-۲ سودگرایی ترجیحی

سودگرایی ترجیحی سود را به معنای «ارضای امیال و ترجیحات می‌داند و عمل درست را آن می‌داند که میزان بیشتری از امیال و ترجیحات مردم جامعه را برآورده سازد» (براندت، ۱۳۷۹: ۲۳۴). مؤلف تحفه می‌گوید که «خورد و خواب و راحتی خود را باید فدای معیشت رعیت کرد» (تحفه، ۱۳۴۱: ۱۲۵).

در کتاب تحفه به حاکم توصیه می‌شود که مصلحت عامهٔ مردم را در نظر بگیرند: «دانشمندان گفته‌اند که اگر احوال پادشاه و حکومتش براساس مصالح حال رعیت باشد، بر مردم شکر این موهبت لازم و واجب است و باید که نعمت امنیت و امان را شکر

بدارند و اگر عادت پادشاه جور و ستم بر رعیت باشد، شایسته است که مورد مذمت مردم واقع شود» (همان: ۷۴).

۳-۱-۳ سودگرایی ازسوی دیگران

هنری سیجویک^۷ (۱۸۳۸-۱۹۰۰) فیلسوف سودگرایی انگلیسی قرن نوزدهم که از طرفداران خودگرایی اخلاقی به شمار می‌رود، معتقد به اصل نیک‌خواهی بود. از دیدگاه او این یک شهود بنیادی اخلاقی است که انسان را به ترجیح خیر کمتر خویش نسبت به خیر بیشتر دیگران هدایت می‌کند (کمبل، ۱۳۸۰: ۱۱). در تحفه برای این مورد می‌توان نیکی، کرم و بخشش را نام برد. نیکی، بخشش و کرم در زمره امور اخلاقی است که از سرمایه و سود انسان می‌کاهد؛ اما شادی دیگری را به دنبال دارد. «پست کسی است که بتواند حاجت دیگری را برآورده کند؛ اما در انجام آن کوتاهی می‌کند» (تحفه، ۱۳۴۱: ۹۳). «چنان باش که مردم از تو در آسایش باشند» (همان: ۹۰). «اگر می‌خواهی که به تو نیکی رسد، به مردم نیکی کن» (همان: ۱۷). مؤلف کتاب تحفه نام نیک را «عمر ثانی» (همان: ۶۷) می‌نامد. در این کتاب تأکید می‌شود که بهترین جامه و لباس، نیکوکاری در حق دیگران است و حکایت زیبایی را در این زمینه نقل می‌کند: «چون عباسیان خواستند در خلافت خود رسمی بخلاف رسم بنی‌امیه پدید آرند و لباسی اختیار کنند که شعار ایشان بود و در آن لباس ایشان را شکوه و ابهت زیادت باشد، باتفاق نامه نوشتند و در تمهید این رسم از رای ابومسلم استمداد خواستند. ابومسلم چون بر مضمون وقوف یافت، آنرا جوابی بر قانون حکمت نوشت. مضمون این بود که زمام مملکت و نظام سلطنت در دست حسن سیاست است و شکوه و ابهت در عقل و تدبیر. و هرکه از حلیه عقل و تدبیر عاطل باشد، در دل‌ها او را وقار و حشمت نبود. اگر [چه] جامه‌ها یکسان است، اما رنگ‌ها الوان است. رنگ زرد بابت کودکان و رنگ سپید لایق آزادگان و رنگ سبز جامه رحمت و رنگ سیاه لباس هیبت است. اما جامه چنان باید پوشید که اردشیر مر پسر خود را وصیت کرد. چون مخایل اقبال و آثار فرهنگ درو توهم نمود عظیم مبتهج شد و گفت: ای پسر باید که پیوسته جامه‌ای پوشی که زبان مردم بستایش آن گردان بود و چشم خلق بحسن صنع آن نگران و در خزانه هیچ صاحب دولت چنان

جامه ای نباشد. پسر گفت اگر بیان فرماید که آن جامه از چه نوع باشد و اصل آن از چیست؟ از تربیت و شفقت دور نبود. اردشیر گفت: جامه ای پوش که تار آن از بردباری بود و پودش از نیکوکاری» (همان: ۶۸). مؤلف کتاب تحفه، در باب ششم، به شاه توصیه می‌کند که اهل سخاوت باشد؛ زیرا «هر صاحب دولت که بسیط‌الید و جوانمرد باشد، رقاب قلوب خلق بملوح سخا در دام ولا و محبت او درآید و چون دوستی او در دل مردم استقرار یافت، باتفاق با او دم وفاق زنند و از خلاف و عصیان او اجتناب نمایند و از یمن وفاق، قدرت و بسطت او زیادت شود و مشکور هرزبان و مذکور هرزمان گردد. و اگر عاجز و ضعیف حال باشد و بقید و اسر بخل گرفتار آمده، مردم ازو برمند و چون خلق ازو پشت نمایند، مال و منال نیز روی برتابد» (همان: ۸۴).

بنیان‌گذاران این مکتب، آدام اسمیت (۱۷۹۰-۱۷۲۳) اقتصاددان انگلیسی، ارث‌شوپنهاور (۱۸۶۰-۱۷۸۸) فیلسوف انگلیسی و آگوست کنت (۱۸۵۷-۱۷۹۸) فیلسوف فرانسوی است. در این مکتب احساسات بشردوستانه گاهی علت فاعلی معرفی شده و گاهی غایت و هدف بیان شده است. در هر حال با مکتب نفع عمومی یادشده ارتباط تنگاتنگ دارد. این گروه می‌گویند: کارهایی که به‌عنوان «خودخواهی» صورت گیرد، کار اخلاقی نیست؛ تنها کاری عنوان فعل اخلاقی را به خود می‌پذیرد که هدف از آن «غیردوستی» و «غیرخواهی» باشد نه خودخواهی (راسل، ۱۳۹۳: ۶۸). کتاب تحفه تأکید می‌کند که رفع نیاز مظلوم بر ما لازم است: «و بر ما لازم است که اگر کسی از شما بیلای فقر مبتلا شود، با او طریق مجامله و مساهله مسلوک افتد و از خزانه مدد داده آید. و حالیا محدثات رسوم مرفوع گردانیم و مبتدعات مذموم را مدفوع کنیم، و هیچ مظلوم را در ظلمات ظلمه فرونگذاری» (تحفه، ۱۳۴۱: ۸۳). در باب هشتم، بزرگمهر «بخشش نکردن به مستحق» (همان: ۱۲۵) را از صفت جاهلان می‌داند.

۳-۱-۴ سودگرایی عمل‌نگر

براساس سودگرایی عمل‌نگر^۱ باید همواره، یا در هر جایی که ممکن باشد، با توسل مستقیم به اصل سود، صواب یا الزامی بودن امور را تعیین کنیم (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۸۷). یکی از بن‌مایه‌های سودگرایی در تحفه این است که دم را باید غنیمت شمرد؛ چون جهان و

مافیها گذران است؛ بنابراین باید تا جای ممکن از جهان بهره برد. در باب هشتم تحفه، بزرگمهر اندرز می‌دهد که «تأسف بر آنچه گذشته، نخورند و از آنچه به ایشان رسد، اندوهی ندارند و به چیزهای دور امید ندارند و در سختی نترسند و در آسانی حیرت زده نشوند» (تحفه، ۱۳۴۱: ۱۲۶).

سودگرایی جرمی بنتام^۹ (۱۷۴۸-۱۸۳۲) از این نوع سودگرایی تلقی شده است. امروزه جی.جی.سی. اسمارت^{۱۰} (۱۹۲۰) و جوزف فلچر^{۱۱} از فیلسوفان اخلاق مغرب‌زمین، مدافع این نوع سودگرایی شناخته می‌شوند (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۸۸).

۳-۱-۵ سودگرایی قاعده‌نگر

سودگرایی قاعده‌نگر^{۱۲} بر نقش محوری قواعد در تعیین معیار و هدف احکام و گزاره‌های اخلاقی تأکید می‌کند و معتقد است که ما باید همواره سعی کنیم با توسل به قواعد اخلاقی تکلیف خود را در مواردی جزئی تعیین کنیم؛ یعنی ما نباید در پی این باشیم که ببینیم کدام عمل بیشترین خیر و فایده را دارد؛ بلکه همواره باید جویای آن باشیم که بدانیم کدام قاعده بیشترین سود را در پی دارد (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۹۴). قاعده آن است که هر شهر یک خلیفه داشته باشد؛ زیرا «وجود دو خلیفه در یک شهر سبب فساد است» (تحفه، ۱۳۴۱: ۲۷).

قاعده آن است که به عهد خود وفا کنید: «هیچ‌کس را وعده مکنید که بوفاً مقرون نگردد و دل شما بانجاز آن رغبت ننماید» (همان: ۸۶). قاعده آنست که «در کارهای سهل‌المدخل و صعب‌المخارج خوض مکنید» (همان: ۸۶).

قاعده آن است که راز پوشیده بماند: «هر که سرّ دل خود نپوشد، سر در سرّ کند» (همان: ۱۲۷).

امور زیر را می‌توان جزو قواعد زندگی به شمار آورد. این بایدها و نبایدهای اخلاقی در باب هشتم کتاب تحفه در سؤال و جواب‌های بزرگمهر حکیم آمده است: «و هفت چیز از ویژگی‌های جاهلان است: از اندک چیزی، خشمگین شدن و بخشش نکردن به کسی که مستحق آن است و نفس خود را فراموش کردن و دشمن را از دوست، بازنشاختن و با بدها، نیکی کردن و سخن بی‌فایده گفتن و توقع خیر از نااهل داشتن.

«و پنج چیز از پنج کس در نهایت زشتی است: آزدگی از پادشاهان و تند مزاجی از علما و ستم از زنان و بیماری از پزشکان و دروغ از قاضی‌ها.
«هشت گروه از کردار خود پست شوند: آن کسی که سر سفره ناخوانده بنشیند و کسی که در مجلس بیگانگان نشیند و کسی که توقع نیکی از دشمن دارد و کسی که در خانه شخصی نشیند و او را حقیر کند و کسی که ناخوانده در سخن دو نفر درآید و کسی که از فرومایگان توقع دارد و کسی که بسیار فضولی کند و آن کسی که با سخن با کسی بگوید که به او توجهی ندارد» (همان: ۱۲۶).

اصل سود را باید برای تعیین قواعد اخلاقی به کار گرفت و نه برای تعیین موارد جزئی. اصل سود معیار نهایی ارزش‌گذاری‌های اخلاقی است؛ اما باید در سطح قواعد به آن تمسک کرد نه در سطح احکام و ارزش‌گذاری‌های جزئی. هرگونه انتخاب، تعویض و تجدیدنظری در قواعد نیز باید براساس میزان سود و منفعت عمومی آنها صورت پذیرد. فیلسوفانی مانند جورج بارکلی^{۱۳} (۱۷۳۵-۱۶۸۵) و آر. بی. برانت^{۱۴} از مدافعان این دیدگاه معرفی شده‌اند (فرانکنا، ۱۳۸۳: ۹۵). یکی از معیارهای اخلاقی در تحفه این است که نباید با دشمنان دوستی گرفت. در باب هشتم تحفه آمده است که توقع نیکی از دشمن نداشته باشیم. «کسی که توقع نیکی از دشمن ندارد» (تحفه، ۱۳۴۱: ۱۲۴). از بزرگمهر سؤال می‌شود که «از چه چیزی احتراز واجب است؟ گفت: از دوست فریبنده و دشمن قوی» (همان: ۱۲۵). منافع در نگه‌داشتن رعایت احتیاط و عاقبت‌اندیشی است. قاعده و معیار دوستی و دشمنی براساس سود است.

۳-۱-۶ سودگرایی و خودخواهی

انسان به‌طور فطری در پی سود خود است. دیوید هیوم از پیشروان مکتب سودگرایی اعتقاد دارد که «هرکس منافع و سود خود را می‌خواهد، زیرا احساسات او را به‌سوی این هدف می‌برند» (خشایشی، ۱۳۸۸: ۱۴۵). در باب دهم تحفه به شاه توصیه می‌شود که فقط منافع خود را در نظر گیرد.

باب دهم کتاب تحفه به پند و نصیحت ملوک اختصاص دارد. مؤلف تحفه به شاهان متذکر می‌شود که سود خویش را در نظر بگیرد؛ زیرا اگر ملکی تمام گردنکشان و یاغیان

را به انقیاد خویش وادارد، باز هم از انقراض و نفاذ (سپری شدن و تباهی) مصون نخواهد بود و اگر بی مانع و منازع، تمامی بسیط عالم را متصرف شود، بر قلبی حاکم شده؛ «خاصه که این دولت هیچ کس را مسلم نبوده است» (تحفه، ۱۳۴۱: ۲۱۹).

۳-۱-۷ سودگرایی و غایت‌اندیشی

ویلیام پیلی^{۱۵} (۱۷۴۳-۱۸۰۵) فیلسوف بریتانیایی معتقد بود که نمی‌توان درستی و نادرستی اعمال را بدون توجه به غایت و نتیجه آن مشخص کرد (پیلی، ۱۳۷۹: ۱۱۵). در کتاب تحفه، غایت‌اندیشی ستایش شده است: «پیوسته ساخته حوادث باشید! که آن ناگاه واقع شود. تا چون اسباب دفع از پیش اندیشه رفته باشد، بی حیرت و دهشت بر مقصد مخلص متصور متوجه شوند و بواسطه پیش‌اندیشی از غمره عنا و بیدای بلا بساحل امن و امان رسند» (همان: ۸۷).

«طائفه‌ای که هم دنیا و هم آخرت را دارند؛ این جمع، تاجرانند!» (همان: ۳۵).

در باب چهارم تحفه از قول انوشروان نقل می‌شود که «انتقام و قهر کسی را رسد امروز که از عفو و لطف فردا بی‌نیاز باشد؛ اما کسی که فردا بعفو محتاج و نیازمند خواهد بود، اگر امروز بانتمام مشغول شود، بسفه رای منسوب افتد» (همان: ۵۵).

جرمی بنتام^{۱۶} (۱۷۴۸-۱۸۳۲) فیلسوف انگلیسی است که به دلیل طرح منسجم و جامع افکار سودگرایانه، او را بنیان‌گذار و پدر سودگرایی اخلاقی می‌دانند (Stark, 1952: Vol III: 42). او خیر را با لذت و شر را با درد مترادف می‌داند و درستی و نادرستی اعمال را براساس ایجاد لذت و درد می‌سنجید (بلاگ، ۱۳۷۵: ۴۴). در کتاب تحفه، درغایت، نتیجه اعمال به ما بازمی‌گردد. «بر حرص و اکتار مال "کخاطب اللیل" اقبال ننمایید، و عروس طبع را "کخاطب الویل" استقبال مکنید! چه مال مایه سعادت دنیا و آخرت، چون در دست مقبل و عاقل افتد، مدتی که از عمر مقدر مهلتی یابد، اول از آن توشه آخرت، که الْأَخْرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَى، بردارد و اعقاب را ذخیره خیر باقی گذارد، پس خود و دوستان و زیردستان متمتع و محتظی شوند و چون از سراچه غرور که نوش و نیش او اندکی و مال و مالش او یکی، [به] مقام موعود پیوندد، نام او در جریده ایام بخوبی مثبت شود» (تحفه، ۱۳۴۱: ۸۷). پس لازم است تا در آغاز هر امر، به فرجام امور بنگریم؛ برای مثال اگر ظلم

کنیم نتیجه آن در آخرت [در فرجام کار آدمی] به سوی ما بازمی‌گردد: «ظالم در دنیا از مذمت و در عقبی از عقوبت سالم» (همان: ۵۰) زیرا «ظالم در دنیا معاتب و ملموم است و در عقبی معاقب و مذموم» (همان: ۵۰).

۳-۱-۸ در مذمت سودگرایی جسمی

اپیکور^{۱۷} (۲۷۰-۳۴۱ پ.م.) با قبول اینکه لذت روحانی بر لذت جسمانی ترجیح دارد، معتقد بود برآورد عقلانی در باب منابع لذت و درد، دستیابی انسان را به زندگی‌ای ممکن می‌سازد که در آن لذتِ دیرپا بر دردِ گذرا غالب باشد، (لارنس، ۱۳۷۸: ۴۹). مؤلف تحفه سفارش می‌کند که نباید به دنیای فانی دل بست. باید به دنبال ثواب فراوان آخرت بود: «دنیا اعتماد را نشاید و دولت او [که] چون سایه ابر و خیال خواب اندک بقای و بی‌بنیادست، با هیچ‌کس نیاید و هیچ‌چیز را نشاید. عاقل آنست که برین اقبال ناپایدار دل نهد و با دوستان دم الفت و سازگاری و صدق و محبت زند و طریق عدل و انصاف مسلوک دارد و شوارد نعم را بادای شکر و اشاعت معدلت از افلات و نفاذ صیانت واجب داند و بر اظهار آثار عدل و ادخار نفایس انصاف حریص باشد و باقتنای ثواب جزیل اعتنای تمام داشته باشد. چه نتیجه قدرت هیچ صاحب‌دولت بی‌شکوفه معدلت ثمره نهد و نهال اقبال هیچ خضرت بی‌شاخ رعایت رعیت برومند نگردد» (تحفه، ۱۳۴۱: ۸۲).

۴- نتیجه‌گیری

براساس نتایج تحقیق، اصلی‌ترین انگیزه مؤلف کتاب تحفه از ذکر مضامین اخلاقی در متن کتاب، نتیجه‌گیری از حکایات و تنبه و عبرت است. مؤلف تحفه، در پایان حوادث و اتفاقات حکایت‌ها نتیجه‌گیری کرده و خواننده را به عبرت‌گرفتن از آنها فراخوانده و حکایت‌ها را با نتایج اخلاقی و آموزنده به پایان رسانیده است. کتاب تحفه موضوع‌محور است و اغلب حکایت‌های آن حول مضامینی مانند عدل و جور پادشاهان، تزویر وزرا، زدن اتهام خیانتکاری به شخصیت قهرمان حکایت، اثبات بی‌گناهی شخصیت قهرمان به‌شکلی معجزه‌آسا و درنهایت از فرش به عرش رسیدن او خلاصه می‌شوند. نکته

درخور توجه این است که اشرافیت جزو جدایی ناپذیر اغلب این حکایت هاست. کتاب تحفه حکمت عملی و آداب زندگی است و در این اثر همه اندرزه‌ها، برای اصلاح سیاست دولت و اخلاق عام به کار گرفته می‌شوند؛ اما باید در نظر داشت که در این اثر سود جمعی بر سود فردی دولت و حکومت ارجحیت دارد. برخی دیگر از نتایج پژوهش حاضر عبارت است از:

- عدالت با سودگرایی مرتبط است؛ چون سود آن به نفع عموم تمام می‌شود. مؤلف تحفه دادخواهی و عدالت‌گستری را لازمه حکومت تعریف می‌کند و آن را ضروریات یک دولت به شمار می‌آورد؛ چون عدالت و داد موجبات آرامش عامه مردم را فراهم می‌کند.

- براساس نظریه سودگرایی اخلاقی می‌توانیم به سود کمتر راضی باشیم تا دیگران هم در سود سهیم شوند. در تحفه نیکی، جود و سخا هر چند از مال شخص می‌کاهد، سود آن شامل دیگران می‌شود.

- در تحفه بر سودگرایی با قاعده و معیار تأکید شده است و همواره قاعده بیشترین سود را در پی دارد.

- در تحفه سودگرایی ستایش شده است؛ به شرطی که همواره غایت امور را در نظر بگیریم.

در مجموع، سود خواستنی است؛ زیرا سود خوشی به همراه می‌آورد؛ پس مردم طالب آن‌اند و سود مطلوب است. از آنجاکه هر فردی سود خود را می‌خواهد، پس کل جامعه که از افراد تشکیل شده است، سود خود را می‌طلبد؛ بنابراین، الزام اخلاقی ایجاب می‌کند تا در پی تأمین سعادت جمعی باشیم. در پایان، شاید بتوان چنین استدلال کرد که در آثار تألیفی سده‌های پنجم تا هشتم توصیه‌های اخلاقی فراوانی به صورت پند و اندرز ارائه شده است که ضمن داشتن کاربرد برای عموم، به طور ویژه خطاب به پادشاهان نوشته شده‌اند؛ از این رو شاید بتوان گفت یکی از عمده‌ترین دلایل فراوانی توصیه‌های اخلاقی در آثار این دوره، رفتار غیر اخلاقی پادشاهان و تبعات حاصل از آن در جامعه آن دوران است.

پی‌نوشت

1. Utilitarianism

۲. بخشی میانی از آیه ۸، سوره مائده.

۳. بخشی از آغاز آیه ۹۰ سوره نحل.

4. William Godwin

5. David Hum

6. James Mill

7. Henry Sidgwick

8. act - utilitarianism

9. Jeremy Bentham

10. J.J. C. Smart

11. Joseph Fletcher

12. Rule - utilitarianism

13. George Berkeley

14. R. B. Brandt

15. William Paley

16. Jeremy Bentham

17. Epikouros

منابع

۱. آهی، محمد؛ مهربانی ممدوح، فاطمه (۱۳۹۳)، «عمل‌گرایی» (پراگماتیسم در کلیله و دمنه)، متن پژوهی ادبی، سال ۱۸، شماره ۶۱، ۸۲-۶۳.
۲. اترک، حسین (۱۳۸۴)، «سودگرایی اخلاقی»، نقد و نظر، شماره ۳۸-۳۷، ۳۰۰-۲۶۴.
۳. براندت، ریچارد (۱۳۷۹)، «اشکالات واقعی و ادعایی سودگرایی»، ترجمه محمود فتحعلی، ارغنون، شماره ۱۶، ۲۴۵-۲۲۷.
۴. بلاگ، مارک (۱۳۷۵)، اقتصاددانان بزرگ قبل از کینز، ترجمه غلامعلی فرجادی، بی‌جا: وثقی.
۵. پیلی، ویلیام (۱۳۷۹)، «برهان نظم»، ترجمه حسین نوروزی، مجله کلام اسلامی، شماره ۳۳، ۱۲۱-۱۱۳.
۶. تاتاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، نام‌آوران توس، مشهد: نشر ضریح آفتاب.

۷. تحفه (۱۳۴۱)، تحفه، به کوشش محمدتقی دانش‌پژوه، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
۸. خشایب اردستانی، احمد (۱۳۸۸)، سیر تاریخی اندیشه‌های سیاسی در غرب از افلاطون تا نیچه، چاپ چهارم، تهران: آوای نور.
۹. بازارگاد، بهاء‌الدین (۱۳۴۸)، تاریخ فلسفه سیاسی، چاپ سوم، تهران: زوار.
۱۰. پالمر، مایکل (۱۳۸۵)، مسائل اخلاقی، ترجمه علیرضا آل‌بویه، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
۱۱. پولادی، کمال (۱۳۸۸)، تاریخ اندیشه سیاسی در غرب از ماکیاوولی تا مارکس، چاپ پنجم، تهران: مرکز.
۱۲. راسل، برتراند (۱۳۹۳)، جهانی که من می‌شناسم، ترجمه روح‌الله عباسی، تهران: نشر کتاب‌های جیبی.
۱۳. ذبیح‌نیا عمران، آسیه (۱۴۰۰)، «بررسی محتوایی کلیله و دمنه منظوم قانع طوسی برپایه مکتب سودگرایی»، ادبیات تعلیمی، دوره ۱۳، ش ۴۹، ۲۸-۱.
۱۴. ژید، شارل (۱۳۷۰)، تاریخ عقاید اقتصادی، جلد اول، ترجمه کریم سنجابی، تهران: دانشگاه تهران.
۱۵. سابین، جرج (۱۳۵۳)، تاریخ نظریات سیاسی، جلد دوم، ترجمه بهاء‌الدین بازارگاد، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
۱۶. سبزیان موسی‌آبادی، علیرضا؛ شعیب، بهمن (۱۳۸۹)، «پراگماتیسم و سیاست: بررسی و نقد پراگماتیسم در قلمرو سیاست و حکومت»، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، ش ۵، ۱۲۳-۸۹.
۱۷. عالم، عبدالرحمن (۱۳۸۱)، تاریخ فلسفه سیاسی غرب عصر جدید و سده نوزدهم، چاپ پنجم، تهران: انتشارات وزارت خارجه.
۱۸. فرانکنا، ویلیام کی (۱۳۸۳)، فلسفه اخلاق، ترجمه هادی صادقی، قم: کتاب طه.

۱۹. فؤاد حیدری، محمد (۱۳۹۷)، «بررسی تحلیلی مصادیق سودگرایی اخلاقی در گلستان سعدی»، پژوهش در هنر و علوم انسانی، شماره ۱۳، ۷۸-۷۳.
۲۰. لارنس، سی، بکر (۱۳۷۸)، تاریخ فلسفه اخلاق غرب، ترجمه گروهی از مترجمان، قم: انتشارات مؤسسه امام خمینی.
۲۱. کاپلستون، فردریک (۱۳۹۹)، تاریخ فلسفه، جلد اول، ترجمه سید جلال‌الدین مجتبیوی، تهران: علمی و فرهنگی.
۲۲. کمپیل، ریچموند (۱۳۸۰)، «خودگروی»، ترجمه امیر خواص، مجموعه مقالات فلسفه اخلاق، ویراسته لارنس بکر، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۳. کری، جان (۱۳۷۹)، فلسفه سیاسی، ترجمه خشایار دیهیمی، تهران: طرح نو.
۲۴. مصباح یزدی، مجتبی (۱۳۷۸)، فلسفه اخلاق، قم: انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
۲۵. مور، جرج ادوارد (۱۳۸۵)، مبانی اخلاق، ترجمه غلامحسین توکلی و علی عسگری یزدی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
26. Scarre, Geoffrey (1998) Utilitarianism, in Encyclopedia of Applied Ethics, Academic press.
27. Stark, w. Jeremy Bentham's (1952) Economic writings , vol III, London ,Allen and Unwin.